اطلاعات ۱۳۰۵
یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ ۲۱ شوال ۱۴۴۶
۲۰ آوریل ۲۰۲۵ سال نودونهم * شماره ۲۸۹۲۷
ettelaat.com ettelaatonline

واقعیت اسرائیل

گزارش یک یهودی عراقی از اسرائیل و صهیونیسم

آوی شلایم استاد روابط بین‌الملل دانشگاه آکسفورد در یک خانواده مرفه یهودی در بغداد به دنیاآمد و در کودکی با خانواده به فلسطین اشغالی کوچید و به گفته خودزمانی گرایش دست‌راستی پیدا کرد؛ اما بعدها دریافت که در آن سرزمین چه می‌گذرد و بر سر فلسطینی‌ها چه می‌آید. خاطرات او در کتاب «سه دنیا» درج شده و به همت انتشارات فرزان روز در دسترس عمومی قرار گرفته است. آنچه در پی می‌آید، تلخیص بخشی از آن است.

آوی شلایم
ترجمه دکتر هرمز همایون‌پور

مقاله تاریخی

اگر بخواهم یک عامل کلیدی را معرفی کنم که به رابطهٔ اولیه‌ام با جامعهٔ اسرائیل شکل داد، باید بگویم که «عقده حقارت» بود. من پسری عراقی در سرزمین اروپایی‌ها بودم. این موضوع در سالهای اولیهٔ اقامتم در اسرائیل، رگه‌ای از سرکشی و نافرمانی در من پدید نیاورد. برعکس، وضع موجود به نظرم نظام طبیعی چیزها می‌آمد: بی‌تردید سلسله مراتبی اجتماعی را پذیرفته بودم که یهودیان اروپایی را در رأس و یهودیان سرزمین‌های عربی و افریقایی را در قعر جامعه قرار می‌داد.

در آن زمان، هیچ ایده‌ای نداشتم که عراقی بودن در اسرائیل ممکن است، مزیت‌ها و در عین حال گرفتاری‌هایی داشته باشد. مزیت و امتیاز اصلی برای من، در زندگی بعدی‌ام، این بود که توانستم از کلیشه‌های ملی فراتر روم و دیدگاهی متعادل‌تر نسبت به نزاع و ستیز عرب ـ اسرائیل پیدا کنم. این یکی از تلخ‌ترین، کشدارترین و سرکش‌ترین تنازع‌ها در ایام مدرن است و در هر دو طرف دعوا و شور و غضبی ژرف در کنار همراهی و مشارکت ایجاد کرده است. نمادها و رسانه‌های اسرائیلی تا به امروز تعبیری مخدوش و تحریف شده از این نزاع ترسیم می‌کنند که مطابق آن، اسرائیل مرتکب هیچ کار اشتباهی نمی‌شود و عربها قادر به هیچ کار درستی نیستند. نهادها و رسانه‌های عربی نیز متقابلاً تصویر سیاه و سفیدی رسم می‌کنند که فلسطینی‌ها را بی‌گناهانی که قربانی یهودیان شده‌اند معرفی می‌کند، مردمی خودخواه، ظالم و تبهکارانی بی‌وجدان، شیطان مجسم!

من که در کودکی در یک کشور عرب زندگی کرده بودم، می‌توانستم عربها را نه به عنوان دشمن، بلکه به عنوان مردمی بدانم که ارزش به رسمیت شناخته شدن و شکوه بخشیدن دارند؛ بنابراین پیشینهٔ عراقی‌ام کمک می‌کرد دیدگاه ظریف‌تری پیدا کنم و نسبت به تمام طرفهایی که در این تنازع فاجعه بار گرفتار شده‌اند، احساس همدلی و شفقت کنم.

بخش بزرگی از یهودیان عراقی که به اسرائیل کوچیده بودند، «عربیت» را طرد کرده و به ناسیونالیست‌های دست راستی تبدیل شده بودند. من هم در جوانی، با افکار دست‌راستی شروسری داشتم. مرحله دست‌راستی بودن در زندگی‌ام کوتاه بود. دوربودن از اسرائیل کمک کرد تا رویکردی مستقل‌تر و فکورانه‌تر نسبت به جامعهٔ اسرائیل پیدا کنم. سالهایی که به عنوان دانشجو در انگلستان گذراندم که بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بود، قادرم ساخت که فراتر از باورها و یقین‌های ساده بیندیشم و چشم‌اندازی انتقادی نسبت به «ناسیونالیسم» به طور اعم و درک و فهمی موشکافانه‌تر نسبت به اجزا و عوامل گوناگون سازنده تنازع عرب ـ اسرائیل پیدا کنم. ناسیونالیسم که عامل کانونی بیشتر کشمکش‌های بین‌المللی است، اندک اندک در من فروکش کرد. مشکل ناسیونالیسم این است که ما را از فکر بازمی‌دارد.

ما خانواده‌ای در ردهٔ بالای طبقهٔ متوسط عراق بودیم که بر اثر ترکیبی از فشارهای ناشی از ناسیونالیسم عربی و یهودی، فشار بیگانه ستیزی عراقی‌ها، و تحریکات دولت تازه‌تأسیس شده اسرائیل آواره شدیم. ما بخشی از مهاجرت جمعی یهودیان از عراق به اسرائیل در ۱۹۵۰ بودیم. خروج ما از سرزمین مادری‌مان تحت تأثیر نیروهایی بود که به تمامی از کنترل ما خارج، و حتی از فهم و ادراک ما بیرون بودند. سرنوشت خانواده ما آینه نمای کل یک جامعه است؛ جامعه‌ای که از دنیایی که خانهٔ خود احساس می‌کرد، ریشه‌کن شد و به دنیایی فرو افتاد که برای جاافتادن در آن، به تطبیق و تطابقی دردناک اجبار داشت.

عرب یهودی

ما متعلق به شاخه‌ای از جامعهٔ یهود بودیم که اکنون تقریباً نابود شده است. ما عرب یهودی بودیم. در بغداد زندگی می‌کردیم و کاملاً در جامعهٔ عراق ادغام شده بودیم. در خانه به عربی صحبت می‌کردیم، آداب و رسوم ما عربی بود، سبک زندگی‌مان عربی بود، غذاها و پخت و پزمان کاملاً مطبوع و خاورمیانه‌ای بود و موسیقی مورد علاقهٔ پدر و مادرم ترکیبی جذاب از آهنگ‌های عربی و یهودی بود.

ما عراقی‌هایی بودیم که مذهب‌مان یهودی بود و از همین رو در عراق در اقلیت بودیم، مثل ایزدی‌ها، کاتولیک‌های کلدانی، آشوری‌ها، ارمنی‌ها، چرکس‌ها، ترکمن‌ها و سایر اقلیت‌های عراقی. روابط این اجتماعات گوناگون را، در قبل از برآمدن ناسیونالیسم، به رغم برخی تنشهای ناگزیر، بهتر است به عنوان «گفتگو» تعریف کنیم و نه «برخورد تمدن‌ها». بغداد به عنوان «شهر صلح» (دارالسلام) شناخته می‌شد و عراق سرزمین کثرت‌گرایی و همزیستی بود. ما در جامعهٔ یهودی، از نظر زبانی و فرهنگی، پیوندهای به مراتب بیشتری از همکیشان اروپایی خود با هموطنان عراقی‌مان داشتیم. ما هیچ نوع احساس نزدیکی با جنبش صهیونیستی نداشتیم، و هیچ نوع انگیزهٔ درونی برای ترک سرزمین‌مان و کوچیدن به اسرائیل و زندگی در آنجا نداشتیم.

کل خانواده در عراق زندگی می‌کردند؛ مملکتی که بریتانیا پس از جنگ جهانی اول، بر خرابه‌های امپراتوری عثمانی پایه‌گذاری کرد و در نهایت خانواده مجبور به ترک عراق شد؛ زیرا همراه با دلایل دیگر، بریتانیا تصرف فلسطین را از سوی صهیونیست‌ها ممکن کرد و به آتش دشمنی با یهودیان در سراسر دنیای مسلمانان دامن زد. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما که با ما به اسرائیل آمدند، همیشه با غمی عمیق از عراق یاد می‌کردند و غالباً از آن به عنوان «باغ عدن» نام می‌بردند. برای آنها، عراق سرزمین محبوب و دلبندشان بود در حالی که اسرائیل مکان تبعیدشان به شمار می‌رفت.

وضع ناگوار شخصی آنها به تضادی بنیادی در کانون صهیونیسم اشاره داشت. «صهیونیسم» بر پیوند تاریخی مردم یهودی با سرزمین اجدادی آنها در خاورمیانه تأکید می‌کرد؛ ولی دولتی برپا کرد که گرایش فرهنگی و جغرافیای سیاسی آن تقریباً به تمامی به غرب معطوف بود. اسرائیل خود را به این صورت می‌دید. دشمنانش نیز آن را به این صورت می‌دیدند، که نوعی گسترش استعمارگری اروپایی در خاورمیانه است، چون که «در» خاورمیانه است و نه «بخشی» از آن. در این دولتِ «اروپامحور»، برای افرادی چون مادربزرگ‌های من ناممکن بود که احساس کنند در خانه هستند.

مادرم که در ۹۶ سالگی در اسرائیل درگذشت (سال ۲۰۲۱)، غالباً درباره خیلی از خانواده‌های مسلمانی صحبت می‌کرد که با او دوست بودند و به خانهٔ مادر بغداد می‌آمدند. یک روز از او پرسیدم: «آیا هیچ دوست صهیونیستی داشتیم؟» نگاهی به من انداخت که گویا سؤال غریبی پرسیده‌ام و سپس با قاطعیت گفت: «نه، صهیونیسم چیزی **اشکنازی**[1] است، هیچ ارتباطی با ما ندارد!» پاسخ او در واقع دیدگاه بزرگ‌ترهای خانواده من نسبت به صهیونیسم بود، قبل از آنکه به اسرائیل پرتاب شویم، در واقع نظرگاه سیاسی اصلی پیشینیان آنها. «صهیون» مملکتی کوچک و دور افتاده بود که از آن آگاهی اندکی داشتیم. مهاجرت ما به صهیون، امری اجباری بود، نه یک انتخاب عقیدتی. گفتن این موضوع اغراق و گزافه‌گویی نیست که ما را به خدمت سربازی در طرح صهیونیستی اجبار کردند! مهاجرت به اسرائیل غالباً به عنوان صعود توصیف می‌شود؛ اما در مورد ما، کوچیدن از عراق به اسرائیل، آشکارا نوعی سقوط بود، هبوطی از نردبان اجتماعی و فرهنگی. نه فقط اموالمان را از دست دادیم، بلکه احساس نیرومند هویت‌مان را به عنوان یهودیان عراقیِ سربلند نیز از کف نهادیم و به حواشی جامعهٔ اسرائیل فرو افتادیم.

پروژه جنگ تمدن‌ها

در کارنامهٔ بعدی‌ام در انگلستان، به عنوان کارشناس روابط بین‌المللی خاورمیانه و نیز یک روشنفکر اجتماعی، موضوع را با دو روایت غالب پیگیری کردم: «نظریهٔ برخورد تمدن‌ها»ی **ساموئل هانتینگتون** و روایت صهیونیستی درباره یهودیان سرزمین‌های عربی. اولی به طور ضمنی امکان یک هویت یهودی ـ عربی را منتفی می‌شمارد. روایت صهیونیستی بر این نظر است که: «یهودستیزی در ذات اسلام نهفته است» و «اسلام سرسختانه و بی‌وقفه به دنبال آزار و به ستوه آوردن یهودیان است»؛ «دشمنی با یهودیان در تمام مملکت‌های عربی رایج است»؛ «یهودیان این مملکت‌ها در خطر نابودی و هولوکاستی دیگر قرار دارند» و «دولت نوپای اسرائیل شجاعانه برای نجات آنها آمده و به آنها بهشتی ایمن تقدیم می‌کند». روایت صهیونیستی بر این موضوع نیز تأکید می‌کند که یهودستیزی عربها مانع و سد راهی تغییرناپذیر برای حل و فصل تنازع اسرائیل با همسایگان عرب آن است.

در این خوانش، مهاجرت یهودیان از سرزمین‌های عربی به اسرائیل، عمدتاً به اذیت و آزار و تبعیض‌هایی نسبت داده می‌شود که ادعا می‌شود در کشورهای اصلی‌شان با آنها مواجه بوده‌اند؛ و مواضع سیاسی افراطی که به مجرد استقرار در اسرائیل می‌گیرند، به تجربه‌های زنده‌شان در میان عربها بازمی‌گردد. اما تنها در این چند سال اخیر بود که شروع به تأمل دربارهٔ تجربهٔ شخصی‌ام کردم و به من کمک کرد تا دیدگاه‌های جهانی‌ام را شکل دهم و «برخورد تمدن‌ها» و نیز روایت صهیونیستی را به نقد بگیرم.

کودک فلسطینی
کرانه باختری، سال ۲۰۱۱
عکس از رودریک بیلر

> صهیونیسم بر پیوند تاریخی یهودیان با سرزمین اجدادی آنها در خاورمیانه تأکید می‌کند؛ ولی دولتی برپا کرد که گرایش فرهنگی و جغرافیای سیاسی آن به غرب معطوف بود. اسرائیل خود را به این صورت می‌دید. دشمنانش نیز آن را به این صورت می‌دیدند که نوعی گسترش استعمارگری اروپایی در خاورمیانه است، چون که «در» خاورمیانه است و نه «بخشی» از آن. نظریهٔ «برخورد تمدن‌ها»، بر رویکرد برخی از تاریخ‌نگاران صهیونیست نفوذی اساسی داشته است

مقاله

نظریه «**برخورد تمدن‌ها**»ی هانتینگتون یکی از شعارهای رایج اوایل دههٔ ۱۹۹۰ بود. استادِ هاروارد باور داشت که پس از «جنگ سرد» و فروپاشی شوروی، دنیا به وضعیت طبیعی امور بازخواهد گشت که مشخصهٔ آن تنازع فرهنگی است. به استدلال او، مهمترین تمایزهای بین مردم، دیگر سیاسی یا عقیدتی نیست، بلکه فرهنگی است. ابنای بشر در راستای خطوط فرهنگی تقسیم شده‌اند: غربی، اسلامی، هندو، و غیره. فرهنگ اسلامی از بنیاد دشمن غرب معرفی شده است. به مردم در دنیای اسلامی گفته شده که ارزش‌های غربی را مردود شمارند. هانتینگتون ادعا می‌کند که دلبستگی آنها باید به مذهبشان باشد نه به ملت ـ دولت. و مذهب آنها با آموزه‌های لیبرال غربی (نظیر فردگرایی، کثرت‌گرایی، آزادی و دمکراسی) مغایرت دارد.

«برخورد تمدن‌ها» که اکنون عمدتاً بی‌اعتبار شده است، بر رویکرد برخی از تاریخ‌نگاران صهیونیست در خصوص کشمکش عرب ـ اسرائیل نفوذی اساسی داشته است. این تاریخ‌نگاران ریشهٔ این تنازع را در مشرب جزمی اسلام و نفرت از یهودیان می‌دانند. آنها با بازتاب دادن عقاید هانتینگتون، تأکید را بر ساحت مذهبی و روانی تنازع می‌گذارند. چیزی که بین هانتینگتون و این تاریخ‌نگاران مشترک است، نوعی ذهنیت مشرق زمینی است. آنها با تفکراتی کلیشه‌ای درباره شرق سروکار دارند. دشمنی مسلمانان را با غرب توضیح می‌دهند، و آن را به دشمنی با اسرائیل گسترش می‌دهند که حاصل ناگزیر مذهب و فرهنگشان می‌دانند نه محصول شرایط تاریخی مشخص. گفته می‌شود که برخورد بین تمدن یهودی ـ مسیحی و اسلام است. دیدگاهی بنیادی که بر رویکرد مسلمانان نسبت به دنیای خارج به طور اعم و نسبت به یهودیان به طور اخص پایه دارد. این طرز تحلیل به نحوی نومیدکننده غیرتاریخی است. تنوع و چندگانگی دنیای مسلمانان را به نوعی یکپارچگیِ غضب‌آلود و جاهلانه کاهش می‌دهد و در این تحلیل، گلایه‌ها و سرخوردگی‌های واقعی، نه تصوریِ، مسلمانان را از قدرت‌های غربی و اسرائیل نادیده می‌گیرد.

این دیدگاه ساده‌گرایانه و اروپامرکزی از دنیا، با دیدگاه دنیوی برخی فعالان افراطی اسلامی همانندی دارد. افراطیون مسلمان بر این عقیده‌اند که داستان عربها و یهودی‌ها حکایت برخورد بنیادی مذهبی و فرهنگی است. به گفته آنها، یهودیان هرگز بخشی از بافت و ساختار جامعهٔ عرب نبوده‌اند؛ آنها بیگانه بودند، عنصری دشمن‌خو، حتی نوعی ستون پنجم در دارالاسلام و دولت اسرائیل موجودیتی نامشروع است که قدرت‌های استعماری با هدف تفرقه انداختن بین مسلمانان و تضعیف آنها خلق کرده‌اند. بدین ترتیب، هم صهیونیست‌ها و هم افراطیون از تاریخ رابطهٔ مسلمانان ـ یهودیان به شکلی گزینشی و با هدف تبلیغ دیدگاه سکولار و مذهبی خود استفاده می‌کنند. هر دو گروه بر بی‌اعتمادی به دشمن دامن می‌زنند و به بسیج مداوم در مبارزه برای برتری و چیرگی فرامی‌خوانند.

داستان خانوادهٔ من با هیچ کدام از روایت‌های صهیونیست‌ها و افراطیون اسلام‌گرا درباره تجربه‌های یهودیان تحت حکمروایی مسلمانان انطباق ندارد. این داستان در سطحی عمیق‌تر، با مفروضات «برخورد تمدن‌ها» که زیربنای هر دو روایت است، تعارض دارد؛ بنابراین داستان خانوادهٔ من در بر دارندهٔ مفاهیمی ضمنی برای فهم ما از مسیر تاریخ مدرن خاورمیانه است. دقیق‌تر اینکه تصحیح کنندهٔ روایت صهیونیستی است که می‌گوید عربها و یهودیان به طور ذاتی قادر به سکونت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر نیستند و به کشمکش و تنازع دائمی با یکدیگر محکوم‌اند.

ادامه دارد

پی‌نوشت:

۱ـ Ashkenazi: اسرائیلی‌های اروپایی تبار. ـ م.

معاویه آن گونه که بود /۵

دکتر محمد مسجدجامعی
استاد ژئوپلتیک

به تأثیر مسیونرها و شرق‌شناسان غربی در شکل‌گیری نهضت‌های فرهنگی عربی، به ویژه بازسازی هویت فکری و فرهنگی آنها و بازگشت به شکوه عربی و نقش امویان در برپاسازی آن اشاره شد.

اکنون سریال معاویه در حال پخش است و بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که این سریال تلاش دارد خوانشی جدید از شخصیت او ارائه دهد که هدفش شکل‌دهی به هویتی خاص است. به نظر می‌رسد که این شخصیت قرار است کارکرد خاصی داشته باشد. آیا شما این روند را به عنوان یک پروژه طراحی‌شده می‌بینید، یا اینکه یک نیاز طبیعی بوده که به این صورت پاسخ داده شده است؟

این بخش دوم بحث است. امیدوارم بخش اول که درباره نقش بنی‌امیه و معاویه در شکل‌دهی به هویت عربی توضیح دادم، به اندازه کافی روشن شده باشد. اما درباره موضوع «سریال معاویه» و این خوانش جدید، باید گفت که این مسئله به منطقه شام و به طور کلی خاورمیانهٔ عربی مربوط است. این روند را نمی‌توان در یمن یا شمال آفریقا به همین شکل مشاهده کرد. این فعل و انفعالات بیشتر در محدوده کشورهای خاورمیانهٔ عربی و خاصه منطقه «شام» اتفاق افتاده است و از آنجا به سایر نقاط عرب‌نشین، چه در حوزه جنوبی خلیج فارس و چه در سایر مناطق رفته است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که اهمیت سریال تنها در خود فیلم نیست، بلکه در نحوه نمایش شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها و تصویری است که بازیگران از نقشهای خود ارائه می‌دهند. مهم این است که بیننده، این شخصیت‌ها را چگونه می‌بیند: آیا آنها شجاع و مثبت‌اند، یا آشوب‌طلب و منفی؟ دیالوگ‌ها و تعاملات میان شخصیت‌ها نیز تأثیر چشمگیری در شکل‌دهی ذهنیت مخاطب دارد. این موضوعی چندوجهی است؛ برای مثال وقتی شخصیتی را که به ظلم و ستم اعتراض کرده است (همچون ابوذر)، در قالب یک «آشوب‌طلب» نشان می‌دهند، این تصویر می‌تواند افراد را نسبت به شیعه بدبین کند. به ویژه آنکه این شخصیت‌ها از برجسته‌ترین شخصیت‌های شیعه هستند. مضافاً که این نوع روایت و فیلم و دیالوگ می‌تواند وسیله‌ای برای تثبیت حاکمان فعلی و سیاست‌های آنان باشد.

این نوع ارائه‌های تاریخی و شخصیت‌سازی‌ها در فیلم‌ها و سریال‌ها، به نوعی زمینه‌ای برای مشروعیت‌بخشی و یا کاهش حساسیت‌های سیاسی فراهم می‌کند. به عبارتی، مخاطب به طور غیرمستقیم به سمت پذیرش یک روایت خاص سوق داده می‌شود. این روایت‌ها با استفاده از جذابیت‌های بصری و عاطفی، پیام‌های خود را به مخاطب منتقل می‌کنند. به همین دلیل، تأکید بر نحوه نمایش شخصیت‌ها و انتخاب بازیگران اهمیت زیادی دارد. وقتی شخصیتی را که نماینده اعتراض به ظلم و ستم است، به عنوان فردی شلوغ و آشوب‌طلب معرفی می‌کنند، در واقع به نوعی مسیر تضعیف ارزش‌های اعتراض‌آمیز او را هموار می‌سازند. این امر نه تنها به بدبینی به شیعه دامن می‌زند، بلکه ممکن است در بلندمدت برداشت‌های تاریخی نادرستی را نیز تثبیت کند.

در نهایت، آنچه این سریال و آثار مشابه را به موضوعی حساس تبدیل می‌کند، این است که این نوع روایت‌ها فقط یک بازخوانی تاریخی نیستند. آنها بخشی از تلاش‌های پیچیده برای شکل‌دهی به هویت و اندیشه جدید و حتی هدایت اجتماعی است؛ بنابراین باید توجه داشت که این مسائل همزمان هم گزارش‌های تاریخی هستند که در طول زمان شکل گرفته‌اند و هم پروژه‌ای هدفمند که توسط گروه‌های خاصی دنبال می‌شوند.

روایت‌های جدید، چه از شخصیت معاویه و چه دیگر افراد، چه تأثیری بر مخاطب امروز خواهد داشت و چگونه به سیاست‌ها و هویت‌سازی منطقه‌ای مرتبط خواهد شد؟

تأثیرگذاری فیلم‌ها در شکل دادن به تصور تاریخی و هویتی، یک امر انکارناپذیر است. فیلم‌هایی مانند این سریال‌ها، حتی اگر مستقیماً حمایت حاکمیت‌ها را نشان ندهند، معمولاً تلاش می‌کنند که حاکمیت‌های موجود را نفی نکنند. این مسئله در گذشته نیز وجود داشته است؛ مانند فیلم‌های تاریخی معروفی که در نیمه دوم قرن بیستم ساخته شدند و به نوعی تفکرات و فرهنگ عمومی را تحت تأثیر قرار دادند. اما درباره این تصور جدید از معاویه، باید گفت که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. اولین عامل، همان طور که اشاره کردم، آشنایی عربها با تحقیقاتی بود که گذشتهٔ آنان را مورد مطالعه قرار می‌داد که عموماً صبغه‌ای انتقادی داشت و آنها را به بازنگری در فهم تاریخی و تمدنی خویش وامی‌داشت؛ اما این تمام ماجرا نیست.

یکی دیگر از عوامل مهم، رقابت سیاسی و فرهنگی با کشورهای رقیب است. به ویژه در وضعیت فعلیِ سوریه، تأکید بر شخصیت‌هایی مانند معاویه می‌تواند نوعی توازن در برابر تمرکز بر اهل بیت پیامبر (ص) ایجاد کند. این رویکرد در واقع یک پاسخ سیاسی ـ اجتماعی است؛ برای مثال، همان طور که شیعیان به زیارت حرمهای اهل بیت می‌روند و مراسمی برگزار می‌کنند، برخی از اهل سنت شام نیز می‌کوشند تا رویکرد مشابهی را در قبال شخصیت‌های مورد احترام خود ایجاد کنند.

البته نباید فراموش کرد که در میان اهل سنت، به ویژه در میان روشنفکران، محققان و تحصیل‌کردگان، جریانی وجود دارد که با نگاه انتقادی به تاریخ و شخصیت‌های تاریخی می‌نگرد. این جریان انتقادی، اگرچه هنوز به قدر کافی قوی نیست، اما به مرور در حال پیشرفت است. این مطالعه انتقادی به منابع تاریخی و روایت‌هایی که بر اساس آنها دیدگاه‌های گذشته شکل گرفته، تردید وارد می‌کند؛ به ویژه در حوزه شخصیت‌های تاریخی مانند معاویه، این نگاه انتقادی در حال گسترش است و می‌توان انتظار داشت که در آینده تأثیر بیشتری بگذارد. این روند ترکیبی از فرایندی طبیعی و همچنین متأثر از تأثیرات سیاسی و اجتماعی است که به مرور زمان قوی‌تر خواهد شد.

خوانش‌هایی که در میان اهل سنت از معاویه وجود داشته و دارد، بیشتر متأثر از چه عواملی است؟

خوانش اول یک خوانش دینی است و عمدتاً مبتنی بر روایات و مدحهایی است در مورد معاویه، بنی‌امیه و ابوسفیان است. این خوانشی دینی است، یعنی معاویه را با معیارهای دینی و باتوجه به روایت‌هایی که نقل می‌کنند، بررسی می‌کند. کتاب‌هایی که درباره فضایل معاویه نوشته شده‌اند، که چند مورد مستقلاً در مورد او نوشته شده و کتاب‌های دیگری که نیز بخشی از آنها به فضایل معاویه پرداخته، عمدتاً، بلکه کلاً، شامل روایاتی از پیامبر (ص) یا نقلهایی از کسانی است که در صدر اسلام حضور داشتند؛ بنابراین این یک خوانش دینی از معاویه است که جایگاه، اهمیت و موقعیت او را از این منظر بررسی می‌کند و عمدتاً بدین دلیل که او از صحابه است.

آنچه به گذشته مربوط است و قبلاً نیز اشاره کردم، این است که عواطف و احساسات انسان در جذب و یا دفع افراد تأثیر زیادی دارد. در میان اهل سنت، عموماً «قدرت» مطلوب است، درحالی که در میان ما چنین نیست؛ برای مثال، فرد تأثیرگذاری مانند **شاه‌عباس** در تاریخ ایران ـ و نه فقط تاریخ صفویه ـ با اقداماتی مانند ساخت ۹۹۹ کاروانسرا، توسعه شهر اصفهان و شهرهای دیگر، گسترش فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، کشاورزی، صنعتی و سایر اقدامات مهم، شخصیتی استثنایی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. با این حال، تلقی عمومی ایرانیان نسبت به او عموماً انتقادی است و بخشهای منفی شخصیت او برجسته می‌کنند. در مقابل، عثمانی‌ها چنین رویکردی ندارند. در بین آنان، پادشاهانی مانند سلیم، سلیمان یا سلطان محمد فاتح، که مظهر قدرت عثمانی‌ها بودند، مورد بیشترین تکریم و احترام هستند و اینکه بدانها افتخار می‌شود. علت این تفاوت، زمینه‌های فکری، ذهنی و عاطفی متفاوت در جوامع مختلف است.

ادامه دارد

آگهی دعوت سهامداران شرکت پارسیان همراه لوتوس (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۴۹۹۷۰۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۳۳۴۵۲
جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که در ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ در آدرس: تهران ـ خیابان ولیعصر (عج)، روبروی پارک ملت، نبش خیابان شهید سلطانی، پلاک ۲۶۰۹، برج سایه، طبقه دهم ـ واحد ۴ ـ کدپستی ۱۹۶۷۷۱۳۷۳۹ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره شرکت ۲ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده می‌باشد.
هیئت مدیره شرکت پارسیان همراه لوتوس (سهامی خاص)

آگهی دعوت صاحبان سهام به مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت اول)
شرکت تعاونی کارکنان پتروشیمی شازند
به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۳۸۲۹۹۳ و شماره ثبت ۸۱۷
بنابر تصمیم هیئت مدیره جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت اول) شرکت تعاونی پتروشیمی شازند رأس ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ در محل کارخانه فیلم شرکت تعاونی کارکنان واقع در جاده شازند ابتدای جاده روستای قدمگاه برگزار می‌شود. کلیه اعضا می‌توانند جهت دریافت برگ ورود به جلسه از طریق پورتال مجمع و وبگاه این شرکت به آدرس www.tshmajma.ir و یا به صورت حضوری و همچنین در صورتی که تمایل دارند نماینده آن‌ها به عنوان وکیل تام الاختیار در جلسه شرکت نمایند، وکیل و موکل می‌بایست با در دسترس داشتن کارت ملی و کارت پرسنلی عضو که رضایت خود را با درج امضا و اثر انگشت در ذیل آن قید نموده از تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ لغایت ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ در ساعات اداری به دفتر شرکت تعاونی واقع در مجتمع پتروشیمی شازند مراجعه و برگ ورود به جلسه را دریافت نمایند. بدیهی است همراه داشتن مدرک شناسایی معتبر جهت کلیه اعضا و نمایندگان آنان به منظور ورود به جلسه ضروری است.
توضیحات:
ـ برابر ماده ۱۹ آیین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آراء وکالتی هر عضو و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود.
ـ داوطلبین سمت هیئت مدیره حداکثر ۵ روز پس از تاریخ انتشار آگهی دعوت فرصت دارند فرم شماره ۲ انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات (که در وبگاه این شرکت به آدرس فوق درج گردیده است) را تکمیل و به همراه کپی (شناسنامه، کارت ملی، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی)، گواهی عدم سوء پیشینه و یک قطعه عکس به دفتر تعاونی تحویل داده و یا تصویر مدارک مذکور را به پست الکترونیکی این شرکت به آدرس tshpc1400@gmail.com ارسال نمایند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت اول):
ـ انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره؛
هیئت مدیره شرکت تعاونی کارکنان پتروشیمی شازند

شرکتی در حوزه خدمات در محل جاده مخصوص تهران ـ کرج درنظر دارد عملیات تولید بخشی از نایلونهای ضایعاتی خود را با تجهیزات شرکت در محل شرکت به پرک (کندور) در اختیار پیمانکار قرار دهد و پیمانکار برنده ملزم به خرید مجموع تولید شده و نشده اقلام می‌باشد جهت دریافت شرایط و اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ لغایت ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ به نشانی ذیل مراجعه نمایید.
(وجه موضوع معامله به صورت نقد دریافت می‌شود)
آدرس: تهران ـ کیلومتر ۱۴ جاده تهران کرج ـ شهرک پیکانشهر ـ جنب مدرسه نور هدایت
شماره تماس: ۴۴۱۹۹۰۴۳

آگهی دعوت بیست و دومین مجمع عمومی عادی سالانه سازمان نظام مهندسی معدن استان مرکزی (نوبت اول)
بدینوسیله به استحضار می‌رساند مجمع عمومی عادی سالانه سازمان نظام مهندسی معدن استان مرکزی راس ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ در محل سازمان نظام مهندسی معدن استان مرکزی واقع در اراک، انتهای هپکو، کمربندی شمالی، جنب اتاق اصناف تشکیل می‌گردد. از اعضای محترم دعوت می‌شود در جلسه حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ ارائه گزارش عملکرد سالانه هیات مدیره و اعلام نظر نسبت به آن ۲ـ ارائه گزارش توسط بازرس ۳ـ بررسی و تصویب نهایی تراز سالانه سازمان استان و بودجه پیشنهادی هیات مدیره در چارچوب سیاست‌های کلان سازمان ۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج اطلاعیه‌های سازمان ۵ـ انتخاب بازرسان
لازم به ذکر است کلیه داوطلبان شرکت در انتخاب بازرس در صورت داشتن شرایط ذیل وفق مقررات تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ نسبت به تکمیل فرم اعلام داوطلبی و ارائه مدارک مربوطه به سازمان اقدام نمایند:
۱ـ شرایط ماده ۱۱ قانون نظام مهندسی معدن ۲ـ داشتن پروانه اشتغال پایه دو و بالاتر با حداقل سه ماه اعتبار
توجه: در صورت به حد نصاب نرسیدن مجمع نوبت اول، تاریخ برگزاری و محل مجمع نوبت دوم متعاقبا اعلام خواهد شد.
هیات مدیره سازمان نظام مهندسی معدن استان مرکزی

آگهی مزایده عمومی
شرکت فرآوری مواد پروتئینی استان کردستان
در نظر دارد ۱۵ هکتار باغ مثمر خود را از طریق مزایده عمومی به صورت اجاره واگذار نماید متقاضیان می‌توانند از تاریخ نشر آگهی به مدت یک هفته جهت دریافت اسناد مزایده در ساعات اداری به امور اداری مالی کشتار گاه صنعتی دام سنندج واقع در کیلومتر ۱۵ جاده سنندج ـ کامیاران مراجعه نمایند.

آگهی مناقصه عمومی مناقصه شماره ۱۴۰۴/۰۱
شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان در نظر دارد انجام خدمات مورد نیاز خود به شرح جدول ذیل را از طریق انجام مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید:

شماره	نوع مناقصه	موضوع مناقصه	مشخصات	تعداد	سپرده شرکت در مناقصه ریال	مهلت تحویل اسناد	تاریخ بازگشایی
۱۴۰۴/۰۱	یک مرحله‌ای	تامین سرویس ایاب و ذهاب پرسنل	خودروها از نوع مینی بوس یا ون تعداد سرویس در ماه ۱۱۷۲ سرویس می‌باشد جهت قرارداد یکساله	حداقل ۱۳ خودرو در روز	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۴۰۴/۰۲/۱۱	۱۴۰۴/۰۲/۱۳

داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت دریافت برگ شرایط شرکت در مناقصه همه روزه به استثنای روزهای تعطیل به نشانی: همدان، کیلومتر ۵ بلوار شهید همدانی، شرکت شیر پگاه همدان مراجعه نمایند و پیشنهادات خود را در پاکت های لاک و مهر شده به دبیرخانه این شرکت تسلیم و رسید دریافت نمایند. همچنین داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت اطلاع از شرایط مناقصه و همچنین دریافت فایل اسناد به سایت شرکت، به نشانی https://hamedan.pegah.ir مراجعه نمایند لازم به ذکر است ارسال اسناد از طریق پست، تی پاکس و.... مورد قبول می‌باشد.
تلفن تماس: ۳۲۵۶۹۱۷۸-۰۸۱
شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان
همیشه و همه جا محصولات آویسا

آگهی مزایده عمومی
شرکت فرآوری مواد پروتئینی استان کردستان
در نظر دارد که اجزاء حرام دام سنگین کشتار گاه صنعتی دام